

اعتیاد و مصرف مواد مخدر در قرون میانه تاریخ ایران

امامعلی شعبانی*

رقیه مرادی گیگلو**

چکیده

اعتیاد به مواد مخدر یکی از دغدغه‌های جامعه ایرانی طی تاریخ آن محسوب می‌شود. پیدایش بعضی از انواع مواد مخدر و اشکالی از اعتیاد در ایران به قرون میانه تاریخ کشورمان بازمی‌گردد. پژوهش پیش رو به روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که مصرف مواد مخدر در قرون میانه تاریخ ایران چه وضعیتی داشته است؟ یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که انواع مواد مخدر و در رأس آن تریاک و حشیش در آن دوران با کارکردهای درمانی، تفریحی - تفریحی، تسکین‌بخشی و نیز سیاسی - انتقامی رواج داشت. نگرش عمومی به مواد مخدر به علت عوارض و پیامدهای نامطلوب آن در حوزه‌های فردی و اجتماعی منفی بود. هم‌چنین حکومت‌ها در قبال مسئله اعتیاد، غالباً به دلایلی چون مشغله‌های سیاسی - نظامی یا علقه‌های شخصی به مواد مخدر، سیاست بازدارنده‌ای در پیش نمی‌گرفتند و صرفاً دربارهٔ سربداران و به طور گذرا از سیاست ممنوعیت استعمال مواد مخدر در این دوران اطلاعاتی در دست است.

کلیدواژه‌ها: مواد مخدر، اعتیاد، تاریخ ایران، قرون میانه.

۱. مقدمه

داستان اعتیاد و مواد مخدر در کشور ما تاریخی دور و دراز و پرفراز و نشیب دارد. گزارش‌های تاریخی بیان‌گر این واقعیت است که در قرون میانه تاریخ ایران یکی از مسائل مبتلا به جامعه ایرانی اعتیاد و مواد مخدر، با عوارض و پیامدهای منفی بسیار در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، بوده است.

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اراک (نویسندهٔ مسئول) shabani.2009@gmail.com

** کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه اراک r.morad65@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۴

پدیده اعتیاد، که امروزه دامن گیر بسیاری از جوامع شده و دولت‌ها و ملت‌ها را شدیداً درگیر خود کرده، ریشه‌ای تاریخی دارد. این پدیده شوم هزاران سال است که به وجود آمده و حیات بسیاری از انسان‌ها و حتی جوامع را با زیان‌های اجتماعی - اقتصادی بسیار به ورطه خطر و نابودی انداخته است. گرچه در گذشته غالباً اشراف به آن روی می‌آوردند، اما با گذر زمان مردم عادی نیز با آن آشنا شدند. از سوی دیگر، خاصیت دارویی آن به خاصیتی ویران‌گر تبدیل شد. بنابراین، بی‌راه نخواهد بود اگر بگوییم جامعه ایرانی امروزه نیز با مسائل و مشکلاتی مواجه است که ذاتاً تاریخی‌اند و پیشینیان او در قرون گذشته با آن درگیر بوده‌اند. مطالعه تاریخی می‌تواند ما را در شناخت دقیق پدیده‌ها و در نهایت ارائه راه‌کار برای برون‌رفت از پیامدهای مخرب آن یاری‌گر باشد.

این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالات اساسی است که دلایل و زمینه‌های شیوع اعتیاد در جامعه ایرانی و قرون میانه اسلامی چیست؟ واکنش‌ها به این پدیده اجتماعی کدام‌اند؟ و در نهایت نتایج و پیامدهای آن در قرون میانه ایران اسلامی چه بودند؟ فرض پژوهش نیز آن است که استفاده دارویی از مواد مخدر، رسوم رایج زمانه از جمله برگزاری جشن‌ها و نیز خاصیت تسکین‌دهندگی دردهای ناشی از شکست در امری یا از دست دادن نزدیکان از عوامل شیوع اعتیاد در اجتماع قرون میانه ایران اسلامی بوده است.

به لحاظ پیشینه پژوهش بایستی گفت اگرچه در خصوص اعتیاد، مواد مخدر و تأثیرات آن کتاب‌ها و تحقیقات چندی، آن هم با رویکرد اجتماعی و البته با سبکی بسیار مشابه، انجام شده است؛ اما موضوع اعتیاد، دلایل و زمینه‌ها و نتایج و پیامدهای آن در جامعه ایرانی قرون میانه با رویکرد تاریخی، با وجود اهمیت و تأثیرگذاری در دیگر انواع تحولات، مورد توجه پژوهش‌گران این حوزه نبوده است. در میان مطالعات تاریخی شاید بتوان به کتاب *جان‌گدازان* اثر جعفر حمیدی، با رویکرد تاریخی - ادبی و البته با بررسی کلی موضوع اعتیاد، و نیز کتاب *در قلمرو خانان مغول* از آنه ماری شیمل، با تأکید بر بررسی اعتیاد در بین مغولان هند، اشاره کرد. ضروری است با چنین پژوهش‌هایی ابعاد و زوایای نوینی از زندگی اجتماعی گذشته مردم ایران به تصویر کشیده شود.

در این پژوهش بررسی موضوع مواد مخدر در دوره میانه تاریخ ایران، جایگاه آن در میان عموم مردم و مخصوصاً سلاطین و میزان تأثیرگذاری آن در زندگی عمومی مد نظر است. به لحاظ روشی، روش توصیفی - تحلیلی در دستور کار بوده و از منابع معتبر و نیز تحقیقات نظری درباره اعتیاد و مواد مخدر بهره گرفته شده است.^۱

واژه «اعتیاد» یعنی عادت کردن و خو کردن (فرهنگ لغت عمید، ۱۳۷۱: ذیل مدخل «اعتیاد»)، که به نظر می‌رسد در قرون میانه تاریخ ایران معنایی متفاوت از معنای امروزی داشت. امروزه این واژه غالباً دلالت بر استعمال پیوسته مواد مخدر دارد؛ حال آن‌که، در مقطع مورد پژوهش معنای عام از آن مد نظر بود. اگرچه در منابع تاریخی قرون میانه و در مبحث استعمال مواد مخدر چنین واژه‌ای مشاهده نشد، اما می‌توان عباراتی چون «آلوده شدن» (احتشامی، ۱۳۴۸: ۷۱۷)، «استعمال کردن» (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۳ / ۳۱۴) و یا «گرم شدن» (افلاکی، ۱۹۵۹ / ۱۹۶۱: ۶۳۲) را در مفهوم مشابه اعتیاد استنباط کرد.

۲. پیشینه تاریخی

مواد مخدر طی تاریخ بشر و از هزاران سال قبل در میان ملل مختلف رواج داشته و به اشکال مختلفی چون دارو، ایجاد لذت و شور در جشن‌ها و مراسم مذهبی و یا فرار از ناراحتی و التیام درد به کار می‌رفته است (شاکرمی، ۱۳۶۸: ۲۲؛ حاجی‌لو، ۱۳۸۸: ۴۰).

اسناد و شواهد تاریخی نشان می‌دهد اعتیاد و مواد مخدر در تاریخ ایران نیز سابقه طولانی داشته است. چنان‌که هرودت، تاریخ‌نگار یونانی قرن پنجم قبل از میلاد، در بحث از سکاها، که تیره‌ای از آریایی‌ها یا به روایتی ایرانی بودند، می‌نویسد آنان از استشمام دود و بخار دانه‌های شاهدانه دچار نوعی رخوت و مستی می‌شده و از این حالت لذت می‌برده‌اند (هرودت، ۱۳۸۳: ۴ / ۱۳۲-۱۳۳)، البته قدیمی‌ترین سندی که در ایران از ماده بی‌هوش‌کننده نام برده کتاب مقدس / اوستاست. اوستا از گیاهی مقدس با نام «هوم» با صفت «دوردارنده مرگ» یاد می‌کند که بی‌مرگی یا انوش می‌آورده است (دوستخواه، ۱۳۷۱: ۱۰۸۶-۱۰۸۷؛ ۱: Sajjadi, 1995).

سند دیگری که در آن از ماده بی‌هوش‌کننده یاد شده کتاب ارداویراف‌نامه است. ارداویراف در سفر معنوی خود به جهان دیگر و برای آگاهی از روح و روان درگذشتگان با نوشیدن «مگ» راهی آن سفر شد (ژینیو، ۱۳۸۲: ۴۵-۴۸). هم‌چنین آمده است که همسر زردشت از او می‌خواهد که مقداری مواد مخدر به او بدهد تا بتواند خوب فکر کند، خوب سخن بگوید و خوب عمل کند (همان: ۱۰)، البته ظاهراً به علت آثار نامطلوب آن، از جمله خلسه و تخدیر و مست‌کنندگی، ماده مخدر «بگ» از نظر زردشت ناپسند و نکوهیده بوده است (رضی، ۱۳۷۶: ۳ / ۱۲۹۲)؛ حتی در اوستا به منزله دارویی معرفی شده که برای فعل گناه سقط جنین کاربرد داشته است (وندی‌داد، فرگرد ۱۵، بند ۱۴). نتیجه آن‌که ایرانیان

باستان اگرچه استفاده از بنگ را موجب گناه می‌دانستند، اما از خاصیت درمانی و تخدیری آن آگاه بودند که این امر خود شاید مشوق مناسبی در گسترش استعمال آن بود (همان). حکیم ابوالقاسم فردوسی نیز در شاهنامه، در جریان داستان زادن رستم، اشاره به خاصیت بی‌هوش‌کنندگی مواد مخدر می‌کند که ظاهراً در تاریخ جهان بی‌سابقه بوده است^۳ (فردوسی، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

در این میان، پژوهش‌گرانی بر این باورند که بعضی از مواد مخدر و در رأس آن تریاک را سپاهیان مسلمان و از همان نخستین قرون اسلامی به سرزمین ایران وارد کرده‌اند. ظاهراً آنان برای تسکین دردهای حاصل از سفرهای طولانی بدان توسل می‌جستند و حتی مرکوب خود را نیز از این محرک بی‌نصیب نمی‌کردند. برخی نیز آورده‌اند که مغولان و یا سربازان نادر شاه افشار تریاک را از هندوستان با خود به ایران آورده‌اند که البته معقول به نظر نمی‌رسد (کوهن، ۱۳۷۳: ۱۸). در هر صورت، کاربردهای پزشکی و سیاست استعماری غرب و در رأس آن انگلیس در قرون اخیر موجب رواج بسیار مواد مخدر در بین مردم ایران شد.

۳. انواع مواد مخدر

مواد مخدري که در ایران قرون میانه اسلامی استفاده می‌شد متنوع بود. برای احصای این موارد، علاوه بر متون تاریخی، منابع ادبی و در رأس آن اشعار شاعران باید بررسی شوند. در ادامه مشهورترین و رایج‌ترین این موارد معرفی می‌شوند.

۱.۳ تریاک

تریاک ماده‌ای است مکيف و مخدر که از گیاه خشخاش به دست آمده و طی تاریخ استفاده‌های مناسب و نامناسب فراوانی از آن شده است. گاهی بیماران با آن شفا یافته و گاهی مخالفان و معاندان را با آن مسموم کرده‌اند؛ زمانی به منزله زهر و زمانی به منزله پادزهر به کار رفته است. زکریای رازی (د ۳۱۳ق) و ابوعلی سینا^۴ (د ۴۲۸ق)، دانش‌مندان مشهور ایرانی، اولین پزشکانی‌اند که افعال و خواص تریاک و نیز مضرات آن را به وجه کاملی تعریف و تفسیر کرده‌اند که خود از شیوع آن در بین مردم این دوره حکایت دارد (ابن‌سینا، ۱۳۶۷: ۲۵؛ حاج سیدجوادی، ۱۳۷۵: ۲۱). مطابق روایت ابن‌سینا کسانی بوده‌اند که شغل آنان تولید تریاک و یا در حقیقت همان خشخاش بوده است و البته گاهی با مخلوط

کردن کاهوی بیابانی دست به کلاهبرداری نیز می‌زدند (ابن سینا، ۱۳۶۷: ۳۳۳). افیون مصری نیز در قرن پنجم قمری گزارش شده است که خود از تجارت آن بین ایران و مصر در مقطع مورد اشاره خبر می‌دهد (ناصر خسرو، ۲۵۳۶: ۷۹).

از اشعار عطار (د ۶۱۸ق) و حافظ (د ۷۹۲ق) نیز چنین برمی‌آید که در روزگاران گذشته از تریاک، که به آن «افیون» می‌گفتند، به منزله مکیف و به صورت حب یا محلول در آب و یا شراب استفاده می‌کردند (حافظ، ۱۳۸۷: ۲۳۸؛ عطار، ۱۳۷۱: ۲۴۸). هم‌چنین، حکیم سنایی غزنوی (د ۵۴۵ق) پیش‌تر از آن و اتفاقاً با ذکر عنوان «تریاک» بر پادزهر بودن آن تأکید داشته است (سنایی، ۱۳۵۹: ۲۸۵).

ظاهراً پس از بنگ و حشیش ماده مخدری که به ایران راه یافت تریاک یا افیون بود که خود موجب شد رونق بازار مواد مخدر پیش‌گفته شکسته شود. بنابراین، بی‌علت نیست که استاد پورداوود معتقد است که:

اگر افیون نبود، بازار بنگ گرم‌تر بود، از روزی که افیون هم‌آورد سهمگین بنگ از حجله خشخاش به درآمد؛ گروهی از دل‌دادگان بنگی وارفتگان تریاکی شدند. این پادزهر باستانی امروزه زهر جان‌ستانی است (پورداوود، ۱۳۳۱: ۱۰۷).

۲.۳ کوکنار

یکی دیگر از مواد مخدر و سستی‌آور که در قدیم مصرف می‌شده «کوکنار» یا «خشخاش» است که خاصیت خواب‌آوری شدیدی دارد. معمولاً برای به دست آوردن شربت کوکنار پوست خشخاش را مانند چای دم می‌کرده‌اند (حمیدی، ۱۳۸۰: ۷۸). روایت ابن سینا از انواع و اقسام خشخاش و نیز خواص آن می‌تواند بر این نکته مهر تأیید زند که ماده مخدر مذکور در این دوره استعمال می‌شده است (ابن سینا، ۱۳۶۷: ۲۵-۲۶). شاعران ایرانی قرون میانه اسلامی از این ماده مخدر به بدی یاد کرده‌اند؛ چنان‌که فرخی سیستانی (د ۴۲۹ق) در ذیل مدح سلطان محمود غزنوی (۳۸۷-۴۲۱ق) متذکر می‌شود که اگر سایه شمشیر تو بر کوکنار افتد، این ماده از ترس به جای خواب‌آوری ضد خواب می‌شود (فرخی سیستانی، ۱۳۷۱: ۱۷۸). شاعران دیگری چون خاقانی (د ۵۸۲ق) نیز از آن به منزله ماده‌ای ملال‌آور، کسل‌کننده، مخدر و گیج‌کننده نام برده‌اند که البته خود حکایت از شیوع آن در این دوره از تاریخ ایران دارد (خاقانی، ۱۳۷۴: ۱۸۸، ۴۰۸، ۶۳۴). ظاهراً علاوه بر کاشت، وارد کردن این نوع ماده مخدر و نیز شاهدانه و تریاک از هند، کانون ادویه جهان، در قرون میانه اسلامی مرسوم بوده است (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲/ ۸۴؛ هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷: ۱/ ۵۹۶). در هر صورت با

توجه به متون تاریخی قرون میانه اسلامی این امر نشان از اهمیت و جایگاه این مواد در بین مسلمانان دارد (مظاهری، ۱۳۷۸: ۳۷۷).

۳.۳ حشیش و شاهدانه

درخت قنب یا کنب فارسی است که برگ آن را «بنگ» (بنج) یا «حشیش»^۵ تخم آن را «شاهدانه» یا گوزمائل و شکوفه آن را «چرس» می‌خوانند و خاصیت مست‌کنندگی شدید دارد (Gnoli and Saidi Sirjani, 1988: 2؛ امیری، ۱۳۵۳: ۲۲۰). ترسیم ابن‌سینا از وضعیت کسی که با بنگ مسموم شده است در اوایل قرن پنجم قمری می‌تواند بر این امر صحنه‌گذار که در این دوره این ماده مخدر در بین مردم رواج داشته است (ابن‌سینا، ۱۳۶۷: ۲۷). علاوه بر این، گزارش ابودلف از شهر اراک^۶ در قرن چهارم هجری قمری مبنی بر وجود گیاهی شادی‌آور، که احتمالاً همان حشیش است، بر این امر صحنه‌می‌گذارد (ابودلف، ۱۳۵۴: ۴۳). از گزارش مقدسی در قرن پنجم هجری قمری نیز می‌توان چنین استنباط کرد که حشیش جزو کالاهایی بود که حجاج ایرانی با حجاج عربی در موسم حج خرید و فروش می‌کردند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۳۶۵). ظاهراً در قرن هفتم هجری قمری از واژه «سبزک» حشیش استنباط می‌شد؛ چنان‌که در یکی از ترجیعات دیوان شمس به همین معنی آمده است (مولوی، ۱۳۷۷: ۱/۳۸۰).

هم‌چنین از متون ادبی قرون میانه اسلامی به‌خوبی هویداست که این نوع ماده مخدر در جامعه ایران آن روز رواج بسیاری داشت؛^۷ چنان‌که شعریایی چون سعدی (د ۶۹۰ق) و مولوی (د ۶۷۲ق) بدان در اشعار خود به‌طور مکرر اشاره داشته و مهم‌تر از همه از نوع نگرش‌ها به آن در اجتماع آن روز خبر داده‌اند (برای مشاهده نمونه‌ها ← سعدی، ۱۳۵۶: ۸۴۲، ۸۴۴؛ مولوی، ۱۳۷۷: ۱/۳۸۰).

زکریای قزوینی، که در قرن هفتم هجری قمری زندگی می‌کرد، در توصیف «شاهدانه» به منزله نوع دیگری از مواد مخدر آورد که «عقل را مشوش و اعضا را مخدر کند، اگر کسی را دردی باشد، از آن بخورد اعضای او مخدر شود و الم و درد نیابد» (قزوینی، ۱۳۶۱: ۲۵۸). وی در ادامه نیز به استعمال قلندران این دوره از شاهدانه اشاره دارد (همان). از اشارات منابع چنین برمی‌آید که در شهرهایی چون سمرقند و هرات عصر سامانی کشت شاهدانه و یا در حقیقت همان درخت کنب، برای مصارف درمانی و یا تولید ماده مخدر تریاک، رواج داشت. ظاهراً از شیرۀ آن تریاک استحصال می‌شد و البته دارای کارکرد درمانی بود (میرحسین شاه، بی‌تا: ۲۹۶؛ نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۲).

۴. دلایل و زمینه‌های اعتیاد

اسناد و شواهد تاریخی از قرون میانه تاریخ ایران حکایت از آن دارد که استعمال مواد مخدر و در نتیجه اعتیاد جامعه ایرانی بدان در نتیجه مجموعه‌ای از عوامل بود که می‌توان به شکل ذیل دسته‌بندی کرد.

۱.۴ کارکرد پزشکی - درمانی

اولین و اصلی‌ترین کارکرد مواد مخدر، مخصوصاً تریاک، در قرون میانه اسلامی کارکرد درمانی و پزشکی آن بود. بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که یکی از دلایل اصلی گرایش اجتماع ایرانی به مواد مخدر بر اثر این کارکرد بود. درمان امراض و بیماری‌های مختلف و نیز خاصیت تسکین‌بخشی موجب استقبال گسترده مردم از آن می‌شد. بنابراین، بی‌علت نیست که ابن‌سینا و ابوریحان بیرونی (د ۴۴۰ق) هر دو به خواص درمانی و پزشکی این افیون اشاره کرده و حتی عملاً نیز به کار برده‌اند. چنان‌که ابن‌سینا در کتاب قانون خود از انواع مواد مخدر، هم‌چون افیون، بنگ و خشخاش، کارکردهای پزشکی و نیز مضرات آن‌ها به تفصیل سخن گفته است. وی نخست در تعریفی از مخدر آن را دارویی سردمزاج (ابن‌سینا، ۱۳۶۲: ۲/۳۳)، خواب‌آور، آرام‌بخش، بازدارنده دمل، تسکین‌دهنده انواع دردها، کاهنده سرفه‌های سخت و شدید و بازدارنده خون‌ریزی معرفی می‌کند، سپس در تأثیر مخرب و مصرف خلاف قاعده آن می‌افزاید که موجب کاهش هوش و حافظه، سست کردن اندام‌ها، خارش در بدن، مستی، خواب بدون اراده یا مرگ دروغین، ناشنوایی، کم‌حوصلگی، سرگیجه، خناق، دیوانگی و حتی گاهی مرگ می‌شمارد (همان: ۷۳، ۹۴؛ ابن‌سینا، ۱۳۶۷: ۲۵-۲۷).

زکریای قزوینی نیز به کارکرد درمانی مواد مخدر از جمله «خشخاش»، که آن را در فارسی «کونار» می‌خواندند، چنین اشاره دارد که خواب‌آور است و در تسکین سردرد شدید یا صرع و درمان مارزدگی به کار می‌رود (قزوینی، ۱۳۶۱: ۲۴۸، ۲۵۸). پیش‌تر از آن و در دوره آل‌بویه (۳۲۰-۴۴۷ق) نیز، ضمن آگاهی از خاصیت اعتیادآوری، از مواد مخدری چون بنگ، حشیش و شاه‌دانه معجونی دارویی تهیه و در عمل‌های جراحی به منظور بی‌هوش کردن بیمار استفاده می‌کردند (الگود، ۱۳۷۱: ۲۰۸؛ فقیهی، ۱۳۵۷: ۷۲۹).

علاوه بر این، چنین به نظر می‌رسد که به دلیل نبود دسترسی آسان مردم به پزشک در این دوره، آنان خودسرانه از مواد مخدر استفاده می‌کردند. هم‌چنین، نبود آگاهی درست در

تعیین مقدار مواد مصرفی و در نتیجه زیاده‌روی در آن موجب اعتیاد دائمی آنان می‌شد. ضمناً استفادهٔ تفننی و تفریحی نیز می‌توانسته است در بلندمدت به اعتیاد آنان منجر شود. حال در این جا سؤال مهمی مطرح می‌شود و آن این که چه چیزی دانش‌مندی چون ابن سینا و حکیم میسری (قرن چهارم قمری) را وادار کرد در منظومهٔ فکری خود به طور ویژه مواد مخدر را بگنجانند؟ در پاسخ بایستی گفت به یقین یکی از دلایل این امر استفادهٔ زیاد این مواد در پزشکی آن روز و نیز شیوع آن در بین مردم بود. در همین زمینه، احتمالاً مشاهدهٔ عوارض، تلفات و زیان‌های جانی منتج از استعمال مواد مخدر خود محرک مناسبی برای بررسی این مسئله و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی عمومی شد. این امر هم‌چون امروزه از واقعیتی انکارناپذیر پرده برمی‌دارد و آن این که جامعه به شدت درگیر این معضل، با تبعات و نتایج بسیار مخرب، بوده است.

۲.۴ کارکرد تفریحی - سرگرمی

دومین کارکرد مواد مخدر در این دوره را می‌توان در کارکرد تفریحی - تفننی آن دانست که خود به منزلهٔ یکی دیگر از عوامل شیوع اعتیاد در اجتماع قرون میانهٔ تاریخ ایران ظاهر شد. برای مثال و در نمونه‌های بارز می‌توان به معتاد شدن ملک فخرالدین کرت (۷۰۵-۷۰۶ ق) و امیرزاده اسکندر بدین گونه اشاره کرد. به نوشتهٔ خواندمیر، ملک فخرالدین، از امرای حکومت آل کرت، برای تفریح و در مجالس بزم و شادی از بنگ و حشیش استفاده می‌کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳ / ۳۷۱-۳۷۲). نکتهٔ جالب این جاست که خود وی با این عبارت که «با سبزه‌خطان سبزه خورم بر سبزه» به هم‌نشینی با سبزه‌خطان (مصرف‌کنندگان) و استعمال مواد مخدر اعتراف داشت (آیتی، ۱۳۸۳: ۵۶).

نمونهٔ دیگری از مصرف تفننی مواد مخدر برمی‌گردد به روایت حافظ ابرو از شاهزاده اسکندر تیموری، حاکم فارس و عراق، که به نوشتهٔ او به منظور تفنن و خوش‌گذرانی مجموعه‌ای از مواد مخدر را مصرف می‌کرد؛ چنان‌که می‌آورد: «امیرزاده اسکندر ... بنگ و معجون و تفت و افیون به کار می‌رفت» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳ / ۵۰۰).

البته در کنار آن بایستی از فقدان سیاست‌های بازدارنده و یا تنبیهی حکومت‌های این دوره در این خصوص یاد کرد. اسناد و شواهد تاریخی بر این نکته مهر تأیید می‌زند که مردم در خرید و فروش و مصرف مواد مخدر آزاد بودند و هیچ‌گونه مشکلی از سوی دولت و مأموران دولتی برای آن‌ها پیش نمی‌آمد و اساساً این امر جرم محسوب نمی‌شد.

این مسئله خود می‌توانست در گرایش مردم به اعتیاد و شیوع آن در جامعه بسیار مؤثر باشد (احسان‌منش و کریمی کیسمی، ۱۳۸۷: ۶۵).

۳.۴ تسکین روحی و فقدان آگاهی جامعه

در علت دیگر شیوع مواد مخدر در بین مردم نبایستی ناملایمات سیاسی و در نتیجه ضربات روحی وارده بر اجتماع را نادیده گرفت. بنابراین، جامعه برای تسکین روحی به سمت مواد مخدر سوق پیدا می‌کرد. در نمونه‌ای آشکار می‌توان به تهاجم مغولان و وحشی‌گری‌های بی‌حد و حصر آنان و در نتیجه وارد شدن ضربه روحی شدید به جامعه ایرانی این دوره اشاره کرد. احتمالاً بخشی از جامعه برای کاهش دردها و فشارهای روحی و روانی ناشی از این تهاجم ویران‌گر، که تمام شیرازه زندگی آنان را از هم گسیخت، به مواد مخدر روی آوردند.^۴ در هر صورت، شیوع مواد مخدری چون حشیش در این مقطع به‌حدی بود که ارباب شریعت مجبور شدند به‌شدت در تحریم آن بکوشند و حتی به روایات ضعیفی در این خصوص توجه کنند (برای بیان مفصل‌تر ← به مبحث «اعتیاد و نگرش‌های اجتماعی» در همین مقاله). جالب این‌که اتفاقاً شیوع گسترده این نوع مواد مخدر، با تأثیرات منفی بسیار، به اوایل قرن هفتم قمری بازمی‌گردد که خود هم‌زمان با تهاجم مغولان به ایران است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۴۶).

هم‌چنین ناآگاهی مردم از مضرات مصرف مواد مخدر نیز در اعتیاد جامعه قرون میانه بی‌تأثیر نبود. ظاهراً بخشی از مردم این دوره نه‌تنها از آسیب‌ها و مضرات مواد مخدر آگاه نبودند، بلکه حتی آن را دارویی جادویی و شفابخش می‌پنداشتند که این امر در نهایت به اعتیاد آنان می‌انجامید (احسان‌منش و کریمی کیسمی، ۱۳۸۷: ۶۵).

۴.۴ کارکردهای سیاسی - انتقامی

مواد مخدر در کنار کارکردهای مثبت خود همواره به منزله ابزاری کارآمد برای حذف مخالفان و نیز انتقام‌کشی سیاسی و یا شخصی استفاده می‌شد که این مسئله خود می‌توانست به رواج آن در جامعه کمک کند. در رأس این کارکردها باید به خاصیت آدم‌کشی آن اشاره کرد که در منابع تاریخی این دوره بدان اشاره‌های مکرری شده است. برای مثال، می‌توان به تلاش نافرجام غلامان ابن سینا در مسموم کردن و قتل او با تریاک اشاره کرد. ابن خلکان به‌صراحت اشاره دارد که: «و بعضی غلامان او در ادویه او افیون بسیار

انداختند و سبب آن بود غلامی خیانت کرده بود، می‌ترسید» (ابن خلکان، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۰۰).
ظاهراً غلامان ابن سینا برای کشتنش در معجون مثرودیطوس او، که برای دفع صرع می‌خورد، تریاک زیادی حل کردند که در نتیجه آن بیماری وی شدت یافت و قادر به بلند شدن نبود، البته ابن سینا در نهایت به تجویز خود توانست از مرگ رهایی یابد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲/ ۴۴۷).^۹

ظاهراً گرفتن اقرار از مجرمان با مواد مخدر نیز یکی از دلایل شیوع آن در جامعه این عصر بود. مثلاً با توجه به تغییراتی که بر اثر استعمال حشیش در فرد روی می‌دهد، ممکن است حقایق پنهانی را از خود آشکار کند. بنابراین، در پیشامدها و اتفاقات خطرناک، مجرمان را با استعمال حشیش وادار به اقرار می‌کردند (لوبون، ۱۳۶۴: ۴۵۸). در همین زمینه، مواد مخدر می‌توانست برای بی‌هوش کردن اشخاص و در نتیجه رسیدن به اهداف مورد نظر بهره‌برداری شود. چنان‌که در داستانی آمده است که هارون‌الرشید با نوشاندن بنگ به فردی جوان وی را ربود و به مکان دیگری منتقل کرد (فقیهی، ۱۳۵۷: ۷۲۹-۷۳۰). مسعودی (د ۳۴۶ق) نیز به داستانی اشاره دارد که در آن با استفاده از ماده مخدر بنگ بختیشوع، پزشک سرشناس شخص متوکل، شرط را باخت. فردی معروف به ابوالباز با بختیشوع شرط بسته بود که اگر بتواند از خانه بختیشوع چیزی برآید، بختیشوع متقابلاً بایستی ده هزار دینار به خزانه خلیفه بپردازد. فرد مورد نظر برای موفقیت در این شرط به نگهبانان منزل بختیشوع غذای حاوی بنگ خوراند و پس از بی‌هوشی آنان دست به سرقت زد (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۵۱). حکایات مذکور می‌تواند از کاربرد مواد مخدر در حقه‌های شخصی و در اجتماع آن دوره خبر دهد.

استفاده از مواد مخدر و در رأس آن حشیش برای پیش‌برد اهداف سیاسی - نظامی با نهضت اسماعیلیه و فداییان آن، هر چند با تردیدهای جدی، پیوند خورده است. شور و هیجان وصف‌ناپذیر فداییان در اقدامات تروریستی موجب شد چنین تهمتی به آنان و رهبران‌شان بسته شود که در حالتی غیرطبیعی و بر اثر مصرف حشیش موفق به انجام دادن چنین اقدامات تهورآمیز و در عین حال تصورناپذیری می‌شدند، اما مخالفان بر این باورند که راز و رمز این امر در اعتقاد عمیق آنان به نهضت و احیاناً رهبران‌شان نهفته بود و از این تهمت که غالباً از سوی مخالفان‌شان مطرح می‌شد به دورند. در هر صورت، بایستی پذیرفت که بخشی از منظومه فکری محققان این حوزه را این امر به خود اختصاص داده است و حتی اصطلاح «حشاشین» را مترادف فداییان اسماعیلی دانسته‌اند (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۵۲؛ هاجسن، ۱۳۸۳: ۱۷۹-۱۸۳). با این حال، مسلمانان عنوانی چون حشاشین را به اسماعیلیان

نزاری نسبت می‌دهند، بدون این که این عنوان‌ها از توضیحی سرچشمه گرفته باشند (Daftary, 1999: 3).

۵. تیپ‌شناسی مصرف‌کنندگان

اگرچه شناخت دقیق ماهیت و بافت طبقاتی مصرف‌کنندگان مواد مخدر در قرون میانه تاریخ ایران به علت محدودیت‌های تاریخ‌نگاری و نیز بی‌توجهی به طبقات پایین اجتماع کاری دشوار است، اما اندک‌داده‌ها می‌تواند شمای کلی این مسئله را به دست دهد. ظاهراً عواملی چون هزینه نسبتاً بالای مواد مخدر موجب شد شیوع آن غالباً در بین طبقات عالی جامعه و به‌ویژه درباریان باشد، البته در کنار آنان می‌بایست از صوفیان و قلندران به منزله دیگر مصرف‌کنندگان مواد مخدر نیز یاد کرد.

۱.۵ صاحبان قدرت

در صدر مصرف‌کنندگان و معتادان به مواد مخدر بایستی به هیئت حاکمه و صاحبان قدرت و در رأس آنان شاهان و امیرزادگان اشاره کرد. نمونه‌های تاریخی بسیاری ثبت شده است که اشاره به مصرف انواع مواد مخدر سلاطین و حکمرانان محلی دارد. تاریخ بیهقی به اعتیاد سلطان مسعود غزنوی (۴۲۱-۴۳۲ق) به تریاک و حتی مصرف آن در خطرناک‌ترین لحظات عمر حکومت غزنوی و در شرایط جنگی اشاره دارد که خود برای سرنوشت سیاسی این حاکمیت بسیار پرهزینه بود و البته مایه عبرتی برای صاحبان قدرت در همیشه تاریخ شد:

از اتفاق عجیب که نمی‌بایست طغرل گرفتار آید، آن بود که سلطان اندکی تریاک خورده بود و خواب تمام نایافته، پس از خفتن بر پیل بخواب شد و پیلانان چون بدانستند زهره نداشتند پیل را به شتاب راندند و به گام خوش خوش می‌راندند و سلطان خفته بود تا نزدیک سحر و آن فرصت ضایع شد که اگر خواب نبود، سحرگاه بر سر طغرل بودی (بیهقی، ۱۳۷۴: ۳/ ۹۳۵).

بنابراین این احتمال نیز بی‌راه نخواهد بود که اعتیاد در بین سپاهیان او و برای رفع خستگی شیوع داشته است.

ظاهراً سلطان محمد (۴۲۱ق)، برادر سلطان مسعود، نیز مواد مخدر مصرف می‌کرده که این مسئله احتمالاً در مصیبت‌های سیاسی - نظامی او بی‌تأثیر نبوده است. چنان‌که در کتاب /خلاق روحی نوشته عطاءالملک روحی آمده است:

سلطان محمد غزنوی برای لشکرکشی به یکی از شهرها روان بود ... ابوعلی سینا که در آن سفر همراه شاه بود، اندکی تریاک به وی داده و نام‌برده برای کاهش سردرد روی همان تخت میل کرد و تا روز بعد در خواب عمیقی فرو رفت و نتوانست از پیل پیاده شود و بجنگد^۱ (احسان‌منش و کریمی کیسمی، ۱۳۸۷: ۶۶).

اختلال ایجادشده در فرایند جنگ و بر اثر استعمال مواد مخدر نکته‌ای ظریف در تحلیل این حوادث است. بی تردید در شطرنج نظامی ایران همواره نقش شاه نقشی ممتاز بوده و با کیش‌مات شدن آن عملاً جنگ مغلوبه می‌شده است.

ملک شمس‌الدین کرت (۷۲۹-۷۳۰ ق) حکم‌ران دیگری است که در دام اعتیاد گرفتار آمد. وی علاوه بر اشتیاق فراوان به مصرف شراب، که به نوشته تاریخ حبیب‌السیر موجب شد تا «مدت ده ماه که زمان حکومتش بود، ده روز هشیار» نباشد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/ ۳۷۹)، به بنگ و حشیش [به تعبیر عامه «ورق‌الخیال»] معتاد بوده و حتی خود در ذیل ابیاتی بدان اعتراف کرده است (آیتی، ۱۳۸۳: ۵۶). اعتراف او به مصرف مواد مخدر و بی‌پروایی و پنهان‌کاری نکردن نه از منظر نبود حساسیت عمومی، بلکه بیان‌گر نوعی خبط سیاسی بود که خود می‌توانست از اعتبار حاکمیت در منظر مردم بکاهد.

تاریخ‌نامه هرات از خرلع‌نامی یاد می‌کند که ظاهراً از صاحب‌منصبان بوده و البته در مقطع مورد اشاره مورد غضب ملک مجد، حاکم هرات در زمان ایلخان ارغون (۶۸۳-۶۹۰ ق)، قرار گرفته است. وی به مواد مخدری چون بنگ و حشیش اعتیاد داشت (هروی، ۱۳۸۳: ۱۶۵). امیرزاده اسکندر تیموری، حاکم ممالک فارس و عراق عجم، چنان‌که پیش‌تر از این اشاره شد، صاحب‌منصب دیگری از هیئت حاکمه است که مجموعه‌ای از مواد مخدر از جمله بنگ و افیون را مصرف می‌کرد. مطابق نوشته حافظ ابرو وی از صبح تا شام غرق در مصرف بنگ و شراب بود (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳/ ۵۰۰).

۲.۵ متصوفه

بعضی از صوفیان یا درویشان را نیز می‌بایست از زمره مصرف‌کنندگان مواد مخدر در قرون میانه تاریخ ایران، به‌ویژه در قرون هفتم و هشتم قمری، به شمار آورد. منابع این دوره آنان را در زمره شیفتگان بنگ و حشیش معرفی کرده‌اند. چنان‌که شمس‌الدین تبریزی، عارف ناشناخته قرن هفتم قمری، در این خصوص و از موضع انتقاد چنین اعتراف دارد: «یاران ما به سبزک گرم می‌شوند، آن خیال دیو است» (افلاکی، ۱۹۵۹/ ۱۹۶۱: ۶۳۲)، البته بررسی در سخنان شمس ما را به این نتیجه می‌رساند که قلندران بنگ را نه از روی بی‌قیدی و نه از

بهر عیش، بلکه به سبب عقیده‌ای بس کهن و برای دریافت عالم خیال مصرف می‌کردند.^{۱۲} بنابراین، بی‌علت نیست که شمس واقعه مذکور را «خیال» و ماده مخدر بنگ را «ورق‌الخیال» نامیده است (حمیدی، ۱۳۸۱: ۵۲).

روایت بداوونی از مصرف افیون علمایی چون شیخ کبیر، ولد شیخ منور، با این عبارت که: «حق سبحان تعالی او را از ارتکاب افیون بسیار و رعونت و دروغ و لاف توبه بخشد» (بداونی، ۱۳۷۹: ۷۲/۳) نشان‌دهنده این واقعیت است که افیون تا سجاهه‌های کسانی که بعدها شیوخ شاخصی شدند نیز راه یافته بود. بنابراین، چنین می‌توان استنباط کرد که مواد مخدر و اعتیاد رسوخ بسیاری در بین مردم عادی جامعه داشته است، البته برخی از عرفا که بنگ و حشیش مصرف می‌کردند فرصت ترک آن را یافتند و بعدها به این اقدام فخر و مباهات می‌کردند. چنان‌که عارف نامی، قطب‌الدین علامه شیرازی (د ۷۱۰ق)، پس از ترک اعتیاد، رباعی معروف ذیل را سروده است:

یک چند به یاقوت تر آلوده شدیم یک چند پی زمرد^{۱۳} سوده شدیم
آلودگی‌ای بود به هر حال که بود ترک همه را گفته و آسوده شدیم

(احتشامی، ۱۳۴۸: ۷۱۷)

نکته عجیب آن‌که برخی از منابع تاریخی حتی از این مرحله نیز فراتر رفته و کشف ماده مخدری چون حشیش را به رهبر و بنیان‌گذار قلندریه، یعنی قطب‌الدین حیدر، و ظاهراً به اواسط قرن ششم قمری منتسب کرده‌اند.^{۱۴} آنان حتی مدعی شده‌اند که تا این زمان کسی از تأثیرات حشیش مطلع نبوده است. در داستان مذکور آمده است که بعد از خوردن حشیش حالت سرور و خنده و شادی به وی دست می‌داده است. ظاهراً روایت مقریزی (۱۴۱۸ق: ۳/۲۲۶-۲۲۸) منشأ چنین حدس و گمان‌هایی شده است که البته حتی اگر چندان با شواهد تاریخی هم منطبق نباشد، در هر صورت خود انعکاسی از این واقعیت است که استعمال مواد مخدر در بین متصوفه رواج داشته است.^{۱۵} ضمناً تعبیر «اسرار» در مورد حشیش و رواج عبارت مشهور «صدور الاحرار، قبور الاسرار» در بین صوفیان عصر مولانا نیز می‌تواند بر استعمال این ماده مخدر دلالت داشته باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۴۲-۳۴۳).

۶. اعتیاد و نگرش‌های اجتماعی - انتقادی

اگرچه در قرون میانه تاریخ ایران ظاهراً محدودیتی برای مردم در مصرف مواد مخدر وجود نداشت، اما منابع از نوعی نگرش منفی در اجتماع این عصر خبر می‌دهند.^{۱۶} این

نگرش به خصوص در مواقعی که استفاده از مواد مخدر فراتر از کارکرد درمانی صورت می‌گرفت، رنگ و بوی انتقادی بیش‌تری می‌پذیرفت؛ بنابراین بی‌علت نیست که معتادان سرزنش می‌شوند.

برای مثال، ابن‌کنیر در شرح حال علم‌الدین احمد بن یوسف (د ۶۸۸ ق) می‌گوید: اگرچه وی از خاندان علم و ریاست بود، اما روش رجاله و جاهلان را در پیش گرفت و مانند آن‌ها لباس پوشید^{۱۷} و حشیش استعمال کرد. وی سپس می‌نویسد حتی او به منع فرزندان فاضلش نیز توجهی نمی‌کرد. جالب این‌جاست ابن‌کنیر حتی در ادامه به ابیاتی از احمد بن یوسف، که در مدح حشیش سروده بود، نیز اشاره دارد (ابن‌کنیر، ۱۴۰۷: ۱۳/۳۱۴). از حکایت مذکور چنین برمی‌آید که ظاهراً فرهنگ عمومی مصرف‌کنندگان حشیش را در زمره جاهلان و نادانان قرار می‌داد. سرزنش احمد بن یوسف از سوی فرزندان در حقیقت می‌تواند بیان‌گر دیدگاه و نگرش جامعه به مصرف‌کنندگان مواد مخدر تلقی شود. احتمالاً، مانند زمانه ما، در آن دوره نیز اعتیاد و مصرف مواد مخدر برای آبرو و حیثیت یک فرد و خانواده او زیان‌آور بوده است و محیط خانوادگی آنان تحت تأثیر این مسئله دچار تلاطم و منازعه می‌شده است.

فرهاد دفتری بر این اعتقاد است که مسلمانان در قرون میانه اسلامی به استعمال‌کنندگان حشیش به چشم دیگری می‌نگریستند و نوعی تمایز میان معتادان و بقیه افراد جامعه قائل بودند. باور بر این بود که حشیش‌خواران مردمانی پست و فرومایه‌اند که همه قوای آنان، به‌ویژه آن صفات و سجایای اخلاقی که مقام و منزلت شخص را در جامعه تعیین می‌کند، تحلیل رفته است (دفتری، ۱۳۷۶: ۱۵۹). ضمناً این تصور نیز حاکم بود که مواد مخدری چون حشیش دارای قدرت دیوانه‌کنندگی است که البته خاصیت شادکنندگی و سرمست‌کنندگی آن در این برداشت بی‌تأثیر نبود (الگود، ۱۳۷۱: ۲۰۸).

نمونه‌های دیگر تاریخی از دوره مذکور از این نگرش انتقادی بیش از پیش پرده برمی‌دارد. برای مثال، ابن‌شاکر در ضمن شرح حال ابن‌خلکان (د ۶۸۱ ق) گفته است که وی از بعضی از اصحابش پرسید: «مردم درباره من چه می‌گویند؟ گفت می‌گویند که تو در این‌که خود را از اولاد برامکه می‌دانی دروغ می‌گویی، حشیش هم می‌خوری، ...» (ابن‌شاکر، ۱۴۲۱: ۱/۱۵۶). در این حکایت شخصیت دانش‌مندی چون ابن‌خلکان مصرف‌کننده حشیش معرفی می‌شود. لحن این روایت به گونه‌ای است که از رویکردی بسیار منفی به مصرف حشیش، با توجه به عوارض و پیامدهای نامطلوب آن، و معتاد بدان در جامعه این دوره خبر می‌دهد.

روایت دیگری از مقطع مورد اشاره نیز بر نگرش انتقادی مورد نظر بیش از پیش صحنه می‌گذارد. مولانا وقتی که پسرش بهاءالدین را مرید شمس‌الدین کرد برای فرزندش ویژگی‌هایی برشمرد [و یا در حقیقت برای مرید شدن شرط‌هایی قرار داد] که عبارت‌اند از «بهاءالدین من حشیش نخورد و هرگز لواط نکند». وی در ادامه نیز از نوعی نگرش عمومی به استعمال مواد مخدر چنین پرده برمی‌دارد که: «این هر دو کار عظیم نامحمود است و ذمیم» (افلاکی، ۱۹۵۹ / ۱۹۶۱: ۶۳۲-۶۳۳). در تحلیل آن بایستی خاطر نشان کرد که حضرت مولانا به مخاطرات استعمال حشیش آگاهی داشته و فرزند خود را از آن بر حذر داشته است. از همه مهم‌تر و مانند حکایت ابن خلکان، مصرف حشیش با عمل قبیحی مثل لواط در یک ردیف دانسته شده است که خود از نگرش شدیداً انتقادی جامعه به مواد مخدر و اعتیاد گواهی دارد. نکته ظریف این جاست که ظاهراً مسئله اعتیاد به مواد مخدر و شیوع آن در بین اجتماع قرن هفتم قمری به حدی بوده است که ذهن عارف شهپری چون او را نیز به خود درگیر کرده است و البته در نهایت خود از بینشی عمومی در دل این قرون حکایت دارد.

زبدۃ التواریخ زوایای دیگری از رویکرد انتقادی جامعه را به مقوله اعتیاد و مواد مخدر به روی هر خواننده‌ای می‌گشاید. توصیف وی از امیرزاده اسکندر، که مبتلا به شراب و بنگ و افیون بود، بسی قابل تأمل است:

چون به بدیهه عقل معلوم است که نگهبان کشور و قهرمان لشکر چون بضاعت عنوان شباب در بنگ و شراب صرف کند ... کجا به کفایت مهمات ایام قیام نماید (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳ / ۵۰۰).

سخنان حافظ ابرو اوج انتقادات را به مصرف بنگ و افیون از سوی یک حاکم نشان می‌دهد. او امیرزاده اسکندر را به باد انتقاد می‌گیرد و صلاحیتش را در نقش حاکم یک ایالت و قهرمان لشکر زیر سؤال می‌برد. سخنان او نشان‌دهنده نگرشی بسیار منفی و عمومی به استعمال شراب و مواد مخدر و تعارض آن با ملک و ملک‌داری است. صاحب زبدۃ التواریخ سخت بر این باور است که بین مستی ناشی از مصرف بنگ و افیون با خرابی و ویرانی امور مملکتی رابطه‌ای معنادار و متقابل برقرار است.

علاوه بر منابع تاریخی، متون ادبی قرون میانه تاریخ ایران نیز تصویری نسبتاً گویا از نگرش عمومی به مقوله اعتیاد و مواد مخدر به ما ارائه داده‌اند. برای مثال، شاعران این دوره در اشعار خود از برخی مواد مخدر مثل کوکنار به بدی یاد کرده‌اند (برای تفصیل بیش‌تر ← مبحث «انواع مخدر» در همین مقاله). زکریای قزوینی نیز در توصیفی نظم‌گونه از

شاهدانه متذکر می‌شود که این ماده مخدر با مشتقات خود از جمله بنگ موجب مشوش شدن عقل و تخلیر اعضا می‌شود (قزوینی، ۱۳۶۱: ۲۵۸). این امر خود انعکاسی از روح جامعه و رویکرد انتقادی آن به مواد مخدر و مسئله اعتیاد در دل این قرون است.

در تأیید نگرش انتقادی جامعه به مواد مخدر بی‌علت نیست که قطب‌الدین حیدر، رهبر قلندریه و ظاهراً کاشف ماده مخدر حشیش، خود به شاگردان و مریدان خود تأکید کرد: «پس ما را فرمود تا راز این گیاه را از همگان پنهان کنیم و ما را سوگند داد که عامه مردم را از آن آگاه نسازیم» (مقریزی، ۱۴۱۸: ۳/ ۲۲۸)، که خود می‌تواند بر این امر صحه بگذارد که مواد مخدر همواره می‌توانسته است در صورت کاربردهای ناصحیح عاملی مخرب برای اجتماع باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۲۲-۲۲۴).

ظاهراً گسترش استعمال مواد مخدر و در رأس آن حشیش، به‌ویژه در قرن هفتم قمری، موجب شد تا یکی از مسائل مهم فقهی این دوره مسئله حلال و یا حرام بودن آن باشد. به علت تمایل درویشان به حشیش و مصرف آن، بعد از حمله مغول، ارباب شریعت مجبور شدند به شدت در فکر تدارک مقدمات تحریم آن برآیند و حتی روایاتی چنین را مد نظر قرار دهند که رسول خدا (ص) فرموده است:

هر که در عمر خویش یک بار حشیش مصرف کند، چنان است که هفتاد بار کعبه را ویران کرده و هفتاد بار پیغمبر را به ناحق کشته و هفتاد بار با مادرش زنا کرده است^{۱۸} (موحد، ۱۳۶۹: ۴۳۱).

یکی از مشهورترین منابعی که احکام فقهی مربوط به آن را جمع کرده است کتاب *زهر العریش فی احکام الحشیش* ابو عبدالله محمد زرکشی، از علمای برجسته شافعی، در قرن هشتم قمری است که به «رساله زرکشی» شهرت دارد. وی در همان آغاز و در فلسفه تألیف آن متذکر شده است که گرفتار آمدن انبوهی از سفله‌ها و فروماندن بسیاری از مردم درباره حکم شرعی آن موجب چنین اقدامی شده است. زرکشی نخست بر این باور است که این حشیش شری بود که داخل بلاد عجم شد و سپس اعلان می‌کند که تأثیرات زشت آن امری است دانسته همگان. وی آن‌گاه، با تمسک به روایت‌های دینی و دلایل عقلی، ده‌ها زیان مختلف برای روح و جسم انسان در استفاده از این ماده مخدر برمی‌شمارد. عبارات «حشیش را زیان هم در دین است و هم در جسم» و «حشیشی مطرود از بهشت موعود و ملعون خداوند است» خود از نهایت رویکرد انتقادی جامعه این عصر به مواد مخدر، به طور اعم، و حشیش، به طور اخص، خبر می‌دهد. فراموشی، ترک نماز، هم‌نشینی با ابلیس، افتادن در محرمات، تباه کردن

عقل، مقطوع النسل شدن، وقوع بیماری‌های مختلف جسمی و ... از عوارض و مضرات استعمال حشیش گفته شده است که شاید در قیاس با دیگر انواع مخدر شدت بیش‌تری داشته است. زرکشی در همین زمینه به حکایتی از شیخ علی حریری، از علمای دمشق، اشاره دارد که شرط پذیرش فرد حشیشی را ترک آن و صبر بر ترک به مدت چهل روز قرار داد. وی سپس به فتاوی علمای مسلمان مبنی بر «مفسد» بودن حشیش، به علت مست‌کنندگی و فاسدکنندگی، رجوع می‌کند و با ارائه دلایل مختلف بر حرام بودن آن به اجماع اکثریت تأکید دارد. حتی کاشت آن به قصد استفاده تفننی و سرگرمی و فروش آن برای کسی که آن را پیشه خود کرده باشد نیز حرام دانسته شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۴۵-۳۶۱).

اشارات شمس تبریزی و مولانا^۹، مبنی بر پرهیز از استعمال ماده مخدر حشیش، بیان‌گر این واقعیت است که در بین مردم عادی و به طور اخص در بین صوفیان، به دلایل سیاسی و اجتماعی، وضعیت نگران‌کننده‌ای حاکم بوده است. ذکر حکایتی قابل تعمق در این خصوص می‌تواند بیان‌گر نگرش عمومی باشد:

روزی جماعتی در باب تحریم حشیش سخن می‌گفتند، مولانا شمس‌الدین فرمود که 'یاران ما به سبزک گرم می‌شوند، آن خیال دیو است ... چرا خود یاران ما را ذوق نباشد از عالم پاک' (افلاکی، ۱۹۵۹ / ۱۹۶۱: ۶۳۲).

مولانا در جای دیگر ضمن آن‌که از وجود دیوی [احتمالاً در مفهوم پلیدی و پلشتی] در ماده مخدر حشیش [با عنوان «اسرار»] خبر می‌دهد، از عوارض و پیامدهای مخرب آن، به‌ویژه برای صوفیان، چنین پرده برمی‌دارد که خود از نگرش عمومی بدان حکایت دارد:

دیوی است در اسرار تو، کز وی نگون شد کار تو بر بند این دم محکمش کالصبر مفتاح الفرج

(مولوی، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۳۲)

۷. حکومت‌ها و مواد مخدر

یکی از مباحث حائز اهمیت در مسئله اعتیاد و مواد مخدر در قرون میانه اسلامی نوع سیاست حکومت‌هاست. به عبارت دیگر، سؤال این است که سیاست حکومتی در این دوره و در خصوص مواد مخدر چه بوده است؟ متأسفانه واقعیت آن است که اکثر حکومت‌های این دوره به هر دلیلی فاقد سیاستی مشخص در خصوص مسئله مواد مخدر و اعتیاد بوده‌اند

که خود جای تمعق بسیاری است. با این حال، داده‌های اندک تاریخی از سیاست‌ها و تدابیری هر چند پراکنده و مقطعی خبر می‌دهند که در ذیل بیان می‌شوند.

خواندمیر در تشریح تحولات دوره حکومت خواجه شمس‌الدین علی سربداری (۷۴۹-۷۵۳ق)، با ذکر این عبارت که: «ظاهر شریعت را به مرتبه رعایت می‌نمود که خوردن بنگ و شراب از قلمرو خویش بالکلیه برانداخت» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/۳۶۳)، اشاره به ممنوع شدن استعمال مواد مخدر در قلمرو حکومت سربداران دارد، البته ظاهراً این اقدام کار ساده‌ای نبوده است و مورخ مذکور پیش‌تر از آن از صفت شجاعت و فراست حاکم سربداری و سیاست او در این خصوص سخن گفته است (همان).

در تحلیل این اقدام بزرگ ذکر چند نکته ضروری است: نخست آن‌که چنین به نظر می‌رسد که در آن زمان مصرف بنگ از لحاظ شرعی محل اشکال و احتمالاً حرام بوده است که خواجه شمس‌الدین برای رعایت شریعت آن را منع کرد. یعنی در اقدام او علاوه بر مسائل اجتماعی، احتمالاً چاشنی مذهب، حداقل به منزله بهانه، مؤثر بوده است. نکته دوم این‌که این روایت اهمیت موضوع مواد مخدر و شدت درگیری جامعه با آن در دوره مورد نظر را نشان می‌دهد. ضمناً شاید بی‌راه نباشد که گفته شود احتمالاً خواجه شمس‌الدین برای مقابله با امر مواد مخدر به‌ناچار متمسک به حره شریعت و دین شده باشد تا بدین وسیله بتواند بر چنین مسئله مهمی فائق آید که البته خود از موانع و چالش‌های احتمالی پیش رو خبر می‌دهد.

علاوه بر خواجه شمس‌الدین، ظاهراً دیگر امیر سربداری یعنی خواجه علی مؤید (۷۶۶-۷۸۸ق) نیز به علت رعایت شرع از خوردن بنگ و شراب خودداری می‌کرد. خواندمیر می‌آورد: «خواجه علی جهت رعایت شرع شریف هرگز به ارتکاب بنگ و شراب اقدام نمی‌نمود» (همان: ۳۶۶). خودداری خواجه علی مؤید از مصرف مواد مخدر این حدس را تقویت می‌کند که احتمالاً وی به دلایل شرعی و یا مصالح عمومی این ممنوعیت را به صورت دستورالعملی حکومتی درآورده باشد.

هم‌چنین مطابق منابع تاریخی در دوره ایلخانی (۶۵۱-۷۵۶ق) ما نوعی از دخالت حکومتی در مقوله مواد مخدر را شاهدیم. ظاهراً هزینه بالای تریاک، که غالباً نیز از آسیای مرکزی و هند وارد می‌شد، موجب شد تا غازان (۶۹۴-۷۰۳ق)، ایلخان مشهور مغول، گیاه‌شناسان و معتادان را جمع و بدین ترتیب تریاک جدیدی را، که البته کارکرد درمانی آن مد نظر بود، کشف کند. تریاک مذکور به «تریاق غازانی» شهرت یافت (همدانی، ۱۳۵۸: ۱۷۳؛ بویل، ۱۳۹۰: ۵/۲۰۰).

۸. نتیجه‌گیری

اعتیاد، این بلای خانمان‌سوز، قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد. تاریخ ایران در دوره میانه اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. یافته‌های پژوهش بیان‌گر این واقعیت است که، با همه محدودیت‌های تاریخ‌نگاری، مسئله مواد مخدر و مصرف آن یکی از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های جامعه ایرانی در دل قرون میانه اسلامی بوده است. کارکردهای متعدد و متنوع، خرید و فروش نسبتاً آزاد و فقدان محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های حکومتی به دسترسی آسان مردم به انواع مواد مخدر و در نتیجه شیوع اعتیاد در بین آنان انجامید. متقابلاً استعمال آن در بین اقشار و طبقات مختلف جامعه بر رفتار، کردار، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنان تأثیر گذاشته و حتی گاهی مسیر تاریخ تحولات اجتماعی، و حتی سیاسی، این دوره از تاریخ ایران را دگرگون کرده است. چنان‌که مصرف بیش از اندازه و مداوم مواد مخدر و در نتیجه عوارض روانی - رفتاری منتج از آن جامعه ایرانی را با مشکلات و نابهنجاری‌های اجتماعی - سیاسی عدیده‌ای از جمله ضعف و زوال حکومت‌ها و نیز انحراف جریان‌ات اجتماعی - مذهبی مواجه کرد.

نتیجه آن‌که تحول در مواد مخدر، به طور اعم، و مسئله اعتیاد، به طور اخص، از یک سو و تجربیات جامعه ایرانی از دیگر سو، بخشی از تاریخ قرون میانه ایران اسلامی را به خود معطوف می‌دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در همین زمینه ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که پراکندگی نمونه‌های تاریخی و فقدان نمونه یا الگویی مستقل در پژوهش‌های تاریخی از دشواری‌های تحقیق حاضر بوده است.
۲. همان «بنگ».
۳. شاید به همین علت می‌بایست اصطلاح «رستمین» را بر «سزارین» ترجیح داد.
۴. وی حتی یک فصل از کتاب معروف قانون خود را به خواص تریاک اختصاص داد.
۵. «حشیش» واژه عربی «بنگ» است (حمیدی، ۱۳۸۱).
۶. شهری میان مراغه و زنجان.
۷. با توجه به نظر لوبون مبنی بر استعمال حشیش در بین جنگ‌جویان صلیبی، آشنایی ایرانیان با این ماده تخدیرکننده حداقل از قرن پنجم قمری قابل باور خواهد بود (لوبون، ۱۳۶۴: ۴۵۶-۴۵۷).
۸. تجربه مدرن امروزی، که مردم بسیاری برای رهایی از فشار روحی و روانی به مواد مخدر روی می‌آورند، می‌تواند بر این امر در گذشته تاریخی ایران صحنه گذارد.

۹. این نکته می‌تواند بیان‌گر این واقعیت نیز باشد که در آن روزگار از مواد مخدری چون تریاک برای خودکشی نیز استفاده می‌شده است. نمونه‌های تاریخی در دوره‌های بعدی تاریخ ایران، هم‌چون صفویه، می‌تواند بر این امر صحنه‌گذار (سیستانی، ۱۳۸۳: ۳۱۴).
۱۰. حکایت مذکور بر نقش پزشکی - درمانی مواد مخدر نیز تأکید دارد.
۱۱. به نوشته زکریای قزوینی قلندران «بنگ» را «سبز» می‌خواندند (قزوینی، ۱۳۶۱: ۲۵۸). بنابراین، بی‌علت نیست که در مثل فارسی عبارت «برگ سبزی است تحفه درویش» سابقه کهنی دارد.
۱۲. قلندران می‌پنداشتند آنچه در حالت وهم‌آلود و مستی از بنگ می‌دیدند صورت‌هایی از عالم بالا و جهان فراسو بوده است (حمیدی، ۱۳۸۱: ۵۲).
۱۳. «یاقوت تر» در این جا کنایه از «شراب» و «زمرد» کنایه از «حشیش» است (احتشامی، ۱۳۴۸: ۷۱۷).
۱۴. و البته در جغرافیای نیشابور (مقریزی، ۱۴۱۸: ۳/۲۲۶).
۱۵. حتی زرکشی (۷۴۵-۷۹۴ق)، که رساله‌ای مفرد درباره حشیش نوشته است، ضمن تأیید داستان مذکور، بر این باور است که به همین علت حشیش را «حیدریه» می‌خوانند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۲۴).
۱۶. این نگرش منفی، علاوه بر دوره باستانی ایران، در قرون نخستین اسلامی نیز حاکم بوده است؛ چنان‌که به نظر می‌رسد گاهی می‌توانسته به منزله تهمتی برای تخریب شخصیت دیگران به کار برده شود. عبارت منحصر به فرد زجاجی در توصیف بابک خرم‌دین و متهم کردن او به مصرف بنگ می‌تواند بر این امر مهم مهر تأیید زند (زجاجی، ۱۳۸۳: ۱/۶۰۸).
۱۷. البته در خصوص این عبارت، که احمد بن یوسف مانند آن‌ها لباس می‌پوشید، مشخص نیست که آیا معتادان به مواد مخدر حشیش لباس مخصوصی می‌پوشیدند یا نه؟
۱۸. در اثبات جعلی بودن این حدیث بعید می‌نماید چنین مواد مخدری در صدر اسلام و آن هم در جغرافیای شبه جزیره عربستان شناخته شده باشد.
۱۹. در بعضی از ابیات مثنوی به خواص این گیاه یا ماده مخدر از جمله مستی‌آوری و بی‌خویش‌کنندگی آن اشاره شده است (برای مشاهده نمونه‌ها ← مولوی، ۱۳۷۷: ۲/۲۹۳، ۴۳۷).

منابع

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳). *تحریر تاریخ و صاف*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد (۱۳۸۰). *منظر الانسان*، ترجمه احمد بن محمد السنجرى، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- ابن کثیر، ابولفداء اسماعیل بن عمر (۱۹۸۶ م / ۱۴۰۷ ق). *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر.
- ابن سینا (۱۳۶۲). *قانون در طب*، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هه‌ژار)، تهران: سروش.

- ابن سینا (۱۳۶۷). *قانون در طب*، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هه‌زار)، تهران: سروش.
- ابودلف، مسعر بن مهلهل (۱۳۵۴). *سفرنامه ابودلف در ایران*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار.
- احتشامی، ابوالحسن (۱۳۴۸). «تریاک و حشیش (اعتیاد سلاطین بدان‌ها)»، *نشریه زبان و ادبیات وحید*، س ۶، ش ۶۸.
- احسان منش، مجتبی و عیسی کریمی کیسمی (۱۳۸۷). «نگاهی به تاریخچه و برخی پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه اعتیاد در ایران»، *نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی اندیشه و رفتار*، س ۵، ش ۱۹.
- افلاکی، شمس‌الدین احمد (۱۹۵۹/۱۹۶۱ م). *مناقب العارفین*، تصحیح تحسین بازیچی، آنکارا: انجمن تاریخ ترک.
- امیری، منوچهر (۱۳۵۳). *فرهنگ داروها*، تهران: بنیاد فرهنگ.
- بدوانی، عبدالقادر (۱۳۷۹). *منتخب التواریخ*، تصحیح توفیق سبحانی و مولوی احمد صاحب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بویل، جی. ا. (۱۳۹۰). *تاریخ ایران کمبریج (مغولان)*، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسن (۱۳۷۴). *تاریخ بیهقی*، تصحیح خلیل خطیب‌رهبر، تهران: مهتاب.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۳۱). *هرمزنامه*، تهران: نشریه انجمن ایران‌شناسی.
- حاج سیدجواد، حسن (۱۳۷۵). «تریاک از حمله اعراب تاکنون»، *نشریه علوم انسانی*، ش ۷۱.
- حاجی‌لو، محمدرضا (۱۳۸۸). *تاریخچه و علل گرایش به مواد مخدر*، تهران: نگاه.
- حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۸۰). *زبدة التواریخ*، تصحیح کمال حاج سیدجواد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۸). *حافظ به سعی سایه*، تهران: کارنامه.
- خاقانی، افضل‌الدین (۱۳۷۴). *دیوان*، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰). *حبیب‌السیر*، تهران: خیام.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۶). *افسانه‌های حشاشین یا اسطوره‌های فداییان اسماعیلی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزاد.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۱). *اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان*، تهران: مروارید.
- زجاجی (حکیم) (۱۳۸۳). *تاریخ منظوم زجاجی*، تصحیح علی پیرنیا، تهران: آثار.
- ژینیو، فیلیپ (۱۳۸۲). *ارداویراف‌نامه*، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران: معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (بی‌تا). *کلیات*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود (۱۳۵۹). *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- سیستانی، ملک‌شاه حسین (۱۳۸۳). *احیاء الملوک*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶). *قلندریه در تاریخ*، تهران: سخن.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۷۱). *دیوان*، تصحیح تقی تفضلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فرخی سیستانی (۱۳۷۱). *دیوان*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: زوار.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۲). *شاهنامه*، قم: نوید ظهور.

۱۲۴ اعتیاد و مصرف مواد مخدر در قرون میانه تاریخ ایران

- فرهنگ لغت عمید (۱۳۷۱). به سرپرستی حسن عمید، تهران: امیرکبیر.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۷). *آلبویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن*، بی جا: صبا.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۶۱). *عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات*، تصحیح نصرالله سبوحی، تهران: کتابخانه مرکزی.
- کوهن، آلن (۱۳۷۳). *فرهنگ مواد مخدر*، ترجمه حسن حاج سیدجوادی، تهران: محیی.
- الگود، سریل لوید (۱۳۷۱). *تاریخ پزشکی در ایران*، ترجمه باهر فرقانی، تهران: امیرکبیر.
- لوبون، گوستاو (۱۳۶۴). *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه هاشم حسینی، تهران: اسلامیه.
- مارکوپولو (۱۳۶۳). *سفرنامه مارکوپولو*، ترجمه منصور سجادی و آنجلادی جوانی رومانو، تهران: گویش و چاپخانه نقش جهان.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مظاهری، علی (۱۳۷۸). *زندگی مسلمانان در قرون وسطی*، ترجمه مرتضی راوندی، تهران: صدای معاصر.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- مقریزی، تقی الدین ابوالعباس احمد (۱۴۱۸). *المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار*، ج ۳، قاهره: دارالکتب العلمیه.
- موحد، محمد علی (۱۳۶۹). *مقالات شمس تبریزی*، تهران: خوارزمی.
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۷). *کلیات دیوان شمس*، تهران: نگاه.
- میرحسین شاه (مترجم) (بی تا). *تعلیقات بر حدود العالم من المشرق الی المغرب*، تصحیح و حواشی مریم میراحمدی و غلامرضا وهرام، تهران: دانشگاه الزهرا.
- ناصر خسرو (۲۵۳۶). *سفرنامه ناصر خسرو*، به کوشش نادر وزین پور، تهران: فرانکلین.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۱). *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی*، تهران: ابن سینا.
- هاجسن، مارشال گ. س. (۱۳۷۸). *فرقه اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.
- هرودت (۱۳۸۳). *تاریخ هرودت*، ترجمه و توضیحات و حواشی هادی هدایتی، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- هروی، سیف بن محمد بن یعقوب (۱۳۸۳). *تاریخنامه هرات*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: اساطیر.
- همدانی، رشید الدین فضل الله (۱۳۵۸ / ۱۹۴۰ م). *تاریخ مبارک غازی*، تصحیح کارل یان، هرتفرد: استفن اویستن.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۸۶). *جامع التواریخ*، تصحیح محمد روشن، تهران: میراث مکتوب.
- هندوشاه استرآبادی، محمدقاسم (۱۳۸۷). *تاریخ فرشته از آغاز تا بابر*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

Daftary, Farhad (2012). 'FEDĀĪ', *Encyclopedia Iranica*, Vol. IX.

Gnoli, G. and A. Saidi Sirjani (1988). 'BANG', *Encyclopedia Iranica*, Vol. III.

Sajjadi, Sadeq (1995). 'DRUGS', *Encyclopedia Iranica*, Vol. VII.